

نگاهی به تربیت معلم در ایران

کدام‌انگوه؟

گزارشگر: محمد دشتی
عکاس: رضا پهرامی

نشست هم‌اندیشی «الگوهای پذیرش دانشجو معلم در ایران» در ۲۹ اردیبهشت سال جاری، به همت معاونت پژوهشی دانشگاه فرهنگیان، با همکاری اندیشکدهٔ تعلیم و تربیت در پردیس مرکزی دانشگاه فرهنگیان برگزار شد. در این نشست که با حضور **دکتر محمود مهر محمدی**، سرپرست دانشگاه فرهنگیان، **دکتر محمد حسن دوگانی**، نمایندهٔ مردم فسا در مجلس شورای اسلامی، **حجت الاسلام دکتر علی ذوعلم**، رئیس پژوهشکدهٔ فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، **اسدالله اسدی گرمارودی**، سرپرست اسبق و مدرس کنونی دانشگاه فرهنگیان، **دکتر نعمت‌الله موسی‌پور**، معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه فرهنگیان، و **حجت الاسلام دکتر علیرضا صادق‌زاده**، معاون فرهنگی دانشگاه فرهنگیان و عده‌ای از کارشناسان آموزش و پرورش برگزار شد، مدل‌ها و الگوهای متفاوت برای پذیرش و تربیت معلمان مطرح و دربارهٔ ابعاد آن‌ها بحث و بررسی شد.

آنچه می‌خوانید گزارشی از مدل‌ها و نظرات مطرح شده در خصوص الگوهای پذیرش دانشجو معلم در ایران از نگاه این مسئولان و صاحب‌نظران است.

دکتر محمدحسن دوگانی



در ابتدای این هم‌اندیشی، دکتر دوگانی، به‌عنوان سخنران ویژه این نشست، ضمن یادآوری توفیقات علمی کشور در سال‌های گذشته و اهمیت آموزش و پرورش در استمرار آن و نقش بسیار مهم معلمان در تحقق اهداف بلند توسعه علمی کشور، گزارشی از فرایندهای منتهی به تأسیس دانشگاه فرهنگیان ارائه کرد و یادآور شد: «هدف اولیه از تأسیس دانشگاه فرهنگیان آن بود که از بین دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور، توانا ترین افراد انتخاب، با مهارت‌های معلمی آشنا و برای کار معلمی به آموزش و پرورش تحویل داده شوند. وی تأکید کرد: بنا نبوده است که دانشگاه فرهنگیان برای تربیت تخصصی معلمان رقیب دانشگاه‌های موجود باشد. این دانشگاه تأسیس شد تا افراد را برای معلم شدن تربیت کند و به آن‌ها مهارت‌های معلمی بیاموزد. به همین دلیل، در حال حاضر هم این دانشگاه باید همان سیر قانونی و پیش‌بینی شده در اهداف و رسالت‌های اولیه خود را دنبال کند و ضمن جذب و آموزش افراد توانا و با انگیزه، آنان را با مهارت‌های معلمی آشنا کند تا نظام آموزش و پرورش کشور بتواند با بهره‌گیری از توان و اندیشه این معلمان، در مسیر تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور گام بردارد.»

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور



در ادامه این نشست، دکتر موسی‌پور، ضمن اشاره به دستور اصلی کار این نشست گفت: «برای چگونگی تربیت معلم در ایران الگوهای متفاوتی مطرح است. امروز و در این جلسه درباره الگوهای متفاوت پذیرش دانشجو معلم در تربیت معلم ایران بحث خواهیم کرد. این موضوع که ما دانشجویان را با چه صلاحیت‌هایی بپذیریم تا آن‌ها را وارد عرصه تربیت معلم کنیم، سؤال اصلی است. برای تشریح این پرسش اصلی و توضیح آن، می‌توان به دهه‌ها سؤال دیگر پرداخت و آن‌ها را مطرح کرد: اینکه چه زمانی دانشجو بپذیریم؟ با چه تحصیلاتی بپذیریم؟ آمادگی روانی - جسمانی و سایر جنبه‌های وجودی او چگونه باشد؟ همچنین، در پذیرش دانشجو، موضوع مشارکت مطرح است. در بحث مشارکت هم سؤال‌اتی وجود دارد: آیا فقط دانشگاه فرهنگیان متولی این امر است یا دانشگاه‌های دیگر هم می‌توانند وارد این عرصه شوند؟ دانشگاه‌های

دیگر چه نقشی داشته باشند و چگونه در پذیرش دانشجو سهم ایفا کنند؟ ایشان در شرح موضوع اشاره کردند: یک دیدگاه می‌گوید دانشجو را هر چه زودتر بپذیریم و فرد را وارد عرصه معلمی کنیم، زیرا هر چه فردی زودتر وارد شود تربیت‌پذیرتر است. دیدگاه دوم می‌گوید، اینکه فردی زود وارد عرصه تربیت معلم شود، هنوز علاقه‌ها، عواطف و آرزوهای شکل نگرفته دارد و شاید فهم درستی از معلمی یا صلاحیت‌های پایه نداشته باشد.»

اسدالله اسدی گرمارودی



در ادامه جلسه، اسدی گرمارودی، با طرح موضوع «دانشگاه فرهنگیان و پذیرش دانشجو با کدام الگو و رویکرد، بازخوانی مدل‌ها و رویکردها و تأمین نیرو برای آموزش و پرورش» گفت: «آنچه را امروز در این نشست ارائه می‌کنم، حاصل پژوهشی است که به روش استقرایی انجام شده است؛ روشی که با استفاده از آن، وقایع به دقت مشاهده می‌شود و با مطالعه یک‌یک موارد به نتیجه‌گیری کلی می‌رسیم. این روش در بعضی موارد «تجربه‌گرایی محض» هم نامیده شده است.»

وی تأکید کرد: «در بیان اهمیت آموزش و پرورش و معلم، مقام معظم رهبری و مسئولان محترم نظام مسائل بسیاری را مطرح کرده‌اند که باید به آن‌ها توجه و دقت کنیم. ضمناً باید توجه داشته باشیم، در بخش مربوط به تعریف‌های دانشگاه فرهنگیان و دانشجو، موضوعی وجود دارد که بی‌توجهی به آن، ما را از رسیدن به نتیجه مطلوب باز خواهد داشت. نگاه دانشجو در این دانشگاه باید چندرشته‌ای باشد، در حالی که در دیگر دانشگاه‌ها تک‌رشته‌ای است. دانشگاه‌ها تک‌دانشی هستند، اما ضرورت چند دانش داشتن معلم بر کسی پوشیده نیست. گاهی دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها فقط طالب دانش هستند، در حالی که دانشجو در این دانشگاه مهارت‌جو و تربیت‌محور است. دانشجو در دیگر دانشگاه‌ها برای چند سال معین و مشخص دانشجو است، اما در دانشگاه تربیت معلم، او در تمام دوران شغلی دانشجو محسوب می‌شود. برای تحصیل در دیگر دانشگاه‌ها شرایط عمومی وجود دارد، اما در این دانشگاه دانشجو باید شرایط خاص داشته باشد. در دیگر دانشگاه‌ها دانشجو معمولاً تعهد خدمت ندارد و سبک زندگی خیلی برایش مطرح نیست، اما دانشجو در این دانشگاه باید تعهد خدمت داشته باشد و آموزش سبک زندگی دارد. به همین دلیل

**هدف اولیه از
تأسیس دانشگاه
فرهنگیان آن
بود که از بین
دانش‌آموختگان
دانشگاه‌های
کشور، توانا ترین
افراد انتخاب،
با مهارت‌های
معلمی آشنا و
برای کار معلمی به
آموزش و پرورش
تحویل داده شوند**



نگاه دانشجو در این دانشگاه باید چند رشته‌ای باشد، در حالی که در دیگر دانشگاه‌ها تک رشته‌ای است. دانشگاه‌ها تک‌دانشی هستند، اما ضرورت چند دانش داشتن معلم بر کسی پوشیده نیست



هم به صورت شبانه‌روزی مشغول است. رهبر معظم انقلاب در آخرین بیانات خود اعلام کردند، کار معلم فقط آموزش کتاب نیست بلکه باید بحث اخلاق و کسب مهارت‌های زندگی را نیز بیاموزاند. دانشجوی تربیت‌معلم ما تنها به یک دانش نیاز ندارد، در این میان، عوامل انگیزشی معلمان نیز بسیار مهم و یکی از مسائل چالش‌برانگیز در تربیت معلم است.

دانشجویان ما در دانشگاه فرهنگیان نه تنها در دوره دانشجویی، بلکه در تمام دوران خدمت خود و طی سی سال خدمت معلمی هم باید به صفات معلمی و شایستگی‌های مورد نیاز آن متصف باشند تا تربیت‌معلم ما معنای واقعی پیدا کند و مؤثر واقع شود. در همین باره می‌توان به الگوهای زیر برای انتخاب و گزینش معلمان یا در واقع تربیت‌معلم اشاره کرد:

یکی از روش‌های جذب معلم، استخدام از بین افراد توانا و واجد شرایط دانشگاه‌هاست. می‌دانیم که با توجه به سن جوان جامعه ما، بحث اشتغال یکی از مهم‌ترین مسائل برای مسئولان است. باید از بین فارغ‌التحصیلان آموزش و پرورش به گزینی شود تا کسانی که تمایل دارند، به آموزش و پرورش بیایند. این روش در ماده ۲۸ اساس‌نامه دانشگاه فرهنگیان نیز آمده و البته به صورت یک ضرورت مطرح شده است. نباید فراموش کنیم دانشگاه فرهنگیان تنها زمانی که نتواند نیروی لازم را جذب کند می‌تواند از این ماده استفاده کند. البته در این رویکرد غفلتی وجود دارد و آن بی‌توجهی به تکررشته‌ای بودن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هاست. نباید از نظر دور داشت که تجمیع رشته‌ها برای ما مهم است و معلمان باید بتوانند چندرشته را تدریس کنند و مهارت تدریس در آن‌ها را داشته باشند.»

حجت‌الاسلام دکتر علی ذوعلم



در ادامه، حجت‌الاسلام دکتر ذوعلم به شرح نظریات خود پرداخت. وی نفس برگزاری چنین جلسه‌ای را امری بسیار ارزشمند و استمرار آن را ضروری دانست و ضمن

اعلام اینکه دیدگاه‌های مربوط به پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان با هم تعارض ندارند و حتی می‌توانند یکدیگر را کامل کنند، اظهار داشت: «در وضع موجود، معلم مورد نظر اسناد بالادستی در اختیار آموزش و پرورش نیست. هدف هم این است که نمی‌خواهیم در یک چرخه تکراری حرکت کنیم

و بنا داریم ان‌شاءالله فرزندان بهتری تربیت کنیم و نخبگان جامعه را در تعلیم و تربیت به کار گیریم. برای تحقق چنین امری باید بهترین دانش‌آموزان ما به سوی تربیت‌معلم سوق پیدا کنند. به نظر من، در نگاه‌های موجود، چند کاستی وجود دارد. به همین دلیل باید به دنبال طرح و عملیاتی کردن نگاه‌های جدید باشیم و نگاه‌ها و نظریاتی را که مطرح است، با تجربیات بومی خود بازنگری کنیم و براساس مبانی تحول نظری آموزش و پرورش، حیات طیبه و ارتقای هویت را مبنای کار قرار دهیم. برای تحقق چنین امری باید تربیت‌معلمی را به جای آموزش‌محوری مدنظر داشته باشیم.

در دیدگاه‌های مطرح شده مبتنی بر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان یا جذب معلم از بین دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها، پنج اشکال وجود دارد که عبارت‌اند از:

اشکال اول: هر دو نگاه طرح شده به دنبال تربیت معلم وزارت آموزش و پرورش هستند. یعنی به معلم هویت کارمندی می‌دهیم، در حالی که ما باید به دنبال تربیت معلم برای مدرسه باشیم. بین این‌ها تفاوت وجود دارد. در دیدگاه ما معلم باید به دنبال معلمی کردن و مادرانه و پدرانه خدمت کردن باشد. **اشکال دوم:** در شناسایی و گزینش معلم تأخیر می‌شود. باید بهترین دانش‌آموزی که استعداد معلمی دارد، در مدرسه انتخاب شود. باید بهترین دانش‌آموز شناخته شود و استعداد معلمی او در نظر گرفته شود. بحث دانش‌آموز - معلمی در این مسئله مطرح است. هر دو دیدگاه ارائه شده در این مسئله مشکل دارد.

اشکال سوم: دانشجویان به هنگام آموزش، از محیط واقعی جدا هستند. دوره تربیت‌معلم باید با کار معلمی در مدرسه توأم باشد. در آموزش‌ها، دانشجو تصویری از محیط واقعی آموزش ندارد. صرفاً چند واحد کارآموزی دارد که باید ارتقا پیدا کند.

اشکال چهارم: بروکراسی دانشگاهی در هر دو دیدگاه حاکم است. در هر دو دیدگاه، در دانشگاه فرهنگیان، تربیت بر بنیاد بروکراسی دانشگاهی انجام می‌شود، ولی هر چه تربیت‌معلم در مراحل بروکراتیک قرار بگیرد، با تربیت‌معلم مطلوب فاصله خواهد گرفت.

اشکال پنجم: در هر دو دیدگاه، انفعالی عمل می‌شود؛ یعنی در هر دو دیدگاه انتظار این است که کسی برای تربیت‌معلم مراجعه کند. برای تغییر وضعیت، باید به دنبال افراد مستعد برویم تا بتوانیم نظامی تربیت‌محور ایجاد کنیم.

دکتر محمود مهر محمدی



در ادامه نشست، دکتر مهر محمدی به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت و گفت: «خوشحالم که این فرصت ایجاد شده و دانشگاه فرهنگیان مهد چنین مباحث مهمی شده است. متأسفانه از تربیت معلم به عنوان موضوعی بسیار حساس و پیچیده و راهبردی، در باب ابعاد نظری، غفلت شده است و ما که اکنون مصدر امور هستیم، باید تا جایی که ممکن است این نقص را جبران کنیم. یکی از رسالت‌های دانشگاه فرهنگیان جبران غفلت نظروزی و نظریه‌پردازی، آن هم از جنس بومی و متناسب با شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی میهن عزیز ماست. البته آنچه در این نشست بیان می‌کنم، دیدگاه شخصی و کارشناسی من، صرف نظر از مسئولیت خودم در مقام ریاست دانشگاه فرهنگیان، است. باید اضافه کنم، این بحث به طور مفصل در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ی درسی تربیت معلم و الگوی اجرایی مشارکتی آن، راهبرد تحولی برای تربیت معلم در ایران»، در دو فصل نامه‌ی نظر و عمل برنامه‌ی درسی منتشر شده است.»^۲

مهر محمدی در ادامه، برای شرح دیدگاه خود، به طرح برخی مفروضات پایه پرداخت که عبارت بودند از:

«گزاره نخست این است که تربیت معلم یک مقوله راهبردی ملی است. به عبارت دیگر، فرابخشی و فرادستگاهی است. این فرض من است و در همین ابتدا عرض می‌کنم که تربیت معلم، مثل خود تربیت، مقوله‌ای بسیار بسیار پیچیده و چندین و چندوجهی است. بنابراین، برای تربیت معلم باید به تقسیم کار ملی بیندیشیم و از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه جامعه در ابعاد مختلف بجا و بهینه استفاده کنیم. به دیگر سخن، در توفیق نوع مواجهه با امر تربیت معلم که در آن این مفروضات لحاظ نشده باشد، با دیده تردید می‌نگرم؛ یعنی مواجهه‌ای که امر تربیت معلم را به یک دستگاه یا وزارتخانه منحصر کند، نمی‌تواند پاسخگوی نیاز و ضرورت‌های تربیت معلم باشد. من چنین روشی را مناسب نمی‌دانم و فکر می‌کنم موضوع تربیت معلم آن قدر خطیر است و آن قدر ما در امر تربیت معلم در

فراموش نکنیم ما در دوره و زمانه‌ای زیست می‌کنیم که تعریف تربیت تغییر کرده است. اگر نگاهمان هنوز هم این باشد که معلم محفوظاتی دارد که می‌تواند آن‌ها را به دانش آموز منتقل کند و یادگیری هم اتفاق بیفتد، شاید این نوع تربیت معلم مناسب باشد، اما آقای دکتر صادق زاده و آقای دکتر مهر محمدی تعریف بدیعی در باب تربیت ارائه کردند که می‌گوید: تربیت زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی هویت است. بحث انتقال دانش یکی از موارد در این تعریف است. بحث متفکرپروری و اندیشه‌ورزی و ارتقای اخلاق در این تعریف مطرح است. نکته مهم اینکه روحیه جهادی مدنظر ما باید از همین جا و آن هم از بجگی شکل بگیرد. فراموش نکنیم که در نگاه آرمانی ما، تعلیم و تربیت یک رسالت الهی است و تنها یک فرصت شغلی صرف نیست. مهم‌تر از همه این که در آموزش و پرورش مدرسه محوری باید مطرح باشد. اصل موضوع این است که معلم پروری را باید نخبه پروری بدانیم. چرخه موجود نباید باز تولید شود. یعنی نباید همان افرادی را که در دانشگاه‌ها هستند، به آموزش و پرورش هم تزریق کنیم. چرا تربیت معلم از مدرسه شروع نشود تا بتواند آموزش بهتری داشته باشد؟ در مورد حوزه‌های علمیه، بررسی‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که پس از پایان تحصیلات دوره راهنمایی وارد حوزه می‌شدند، موفق ترند. همین‌طور هم استعداد‌های معلمی باید در مدارس کشف و مدیریت شود تا بتوانیم دانش‌آموزان را شناسایی و برای برگزیدن شغل معلمی ترغیب کنیم و با مدیریت دانشگاه تربیت معلم پرورش دهیم. ما به مدل‌های نوع سومی نیاز داریم که محسنات دو دیدگاه دیگر هم در آن باشد. باید تربیت کلاسی و مدرسه‌ای و دانشگاهی با هم تلفیق شوند. یعنی معلم باید هم‌زمان، هم در کلاس درس دانشگاه فرهنگیان و هم در مدرسه حضور داشته باشد تا بتواند بازخوردهایی از مدرسه داشته باشد و این ارتباط باید تنگاتنگ باشد؛ به طوری که معلم از هیچ کدام از دو وضعیت دور نباشد. احساس تعلق معلم نسبت به مدرسه چنین ایجاد می‌شود. ما باید به سوی مدل‌هایی برویم که در شش نظام مبانی تحول دیده شده است. با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و ظرفیت جامعه باید اقدام کرد. افرادی که در آموزش و پرورش نقش دارند باید بتوانند مشارکت کنند. در این مشارکت والدین هم باید نقش داشته باشند.»

**معلم پروری را
باید نخبه پروری
بدانیم. چرخه
موجود نباید
باز تولید شود.
یعنی نباید همان
افراد را که
در دانشگاه‌ها
هستند، به
آموزش و پرورش
هم تزریق کنیم.
چرا تربیت معلم
از مدرسه شروع
نشود تا بتواند
آموزش بهتری
داشته باشد**



نمی‌توانند ادعا داشته باشند که تربیت حرفه‌ای انجام می‌دهند. کار آن نوع دانشگاه‌ها تربیت علمی است. برای اینکه کسی شخصیت و هویت حرفه‌ای پیدا کند، مقدمه‌های لازم است. روح برنامه تربیت معلم کارورزی است؛ به‌صورت دو یا چهار ساله. تربیت فرهنگی هم بسیار مهم است.»

حجت الاسلام دکتر صادق زاده



در ادامه، جلسه به‌صورت گفت‌وگوی سخنرانان و کارشناسان ادامه یافت. حجت الاسلام دکتر صادق زاده در ابتدای سخنان خود، ارائه تعریفی مقتضی از

«تربیت معلم» را لازم دانست و خود با ابتدا به مبانی نظری سند تحول بنیادین و بهره‌گیری از مفهوم «هویت حرفه‌ای» تعریف‌هایی ارائه کرد. وی با نقد دیدگاه طرفداران استعدادیابی دانش‌آموزان برای هدایت به سمت معلمی، این پرسش را مطرح کرد که «آیا در دوران کنونی، یک جوان ۱۸ ساله آمادگی انتخاب هویت حرفه‌ای آینده خود را دارد؟» وی همچنین با تأکید بر اینکه نباید با انگیزه‌های مالی کسی را وارد دانشگاه کرد، گفت: «برای تربیت حرفه‌ای معلمان کارآمد باید دانشجویان خوب سال‌های پایانی کارشناسی دیگر دانشگاه‌ها را با شرایط مناسب برای معلمی به‌گزینی کرد.»

در پایان این نشست، دکتر موسی پور ضمن جمع‌بندی موضوعات نشست به‌عنوان سخن پایانی گفت: «هدف این نشست تلاش برای ایجاد رغبت در میان علاقه‌مندان به بحث تربیت معلم ایران بود تا از این طریق زمینه‌های «نظورزی» و «تولید نظریه» فراهم شود. ما فرصتی ایجاد کردیم تا برای آشکار شدن جوانب دیدگاه‌های صاحب‌نظران، همه چیز از زبان خودشان شنیده شود. این فرصت نیز به همین میزان اقتضای گفتن و شنیدن داشت؛ فرصتی که البته اندک بود و برای موضوع مهم تربیت معلم نیازمند استمرار است. وی اظهار امیدواری کرد، با هم‌اندیشی و گفت‌وگو در چنین موضوعاتی، بهترین شیوه برای انتخاب، تربیت حرفه‌ای معلمان و بهره‌گیری از آنان در مدارس، مشخص و در عرصه عمل پیاده شود.»

خوانندگان عزیز برای آشنایی بیشتر با موضوع تربیت و تأمین معلم در ایران، می‌توانند به موارد شماره‌های ۳ تا ۵ پی‌نوشت مراجعه کنند.

جامعه خودمان اهداف بلندی را دنبال می‌کنیم که با این گونه روش‌ها، معلم طراز جمهوری اسلامی ایران دست‌یافتنی نخواهد بود. آیا این سخن و مقدمات آن بدین معناست که ما با دانشگاه فرهنگیان مشکل داریم؟ هرگز، اما سؤالی مطرح است که آیا این شکل از پذیرش که در اساسنامه دانشگاه مفروض است، همان شکل مطلوب و ایده‌آل است؟ به عبارت دیگر، پرسش اصلی این است که بهترین‌ها و مستعدترین‌ها برای پرورش افرادی که می‌خواهیم نسل جدید میهن را به آن‌ها بسپاریم، آیا تنها با این شیوه به‌دست می‌آیند؟ در این نشست، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که: آیا در رویکرد جاری تربیت معلم ما، آنچه مصلحت نظام اقتضا می‌کند لحاظ شده است؟

معنی این گزاره‌ها این است که دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاهی ستادی باید مأموریت مدیریت امر تربیت معلم یا تربیت و تأمین منابع انسانی در حوزه تربیت معلم را بر عهده بگیرد. یک دانشگاه ستادی باشد که مدیریت امر تربیت معلم را بر عهده بگیرد و تمشیت امور تربیت معلم را به‌عنوان یک دانشگاه حاکمیتی داشته باشد، نه اینکه خودش از صفر تا صد تربیت معلم را عهده‌دار باشد. این می‌تواند دانشگاه فرهنگیان دیگری باشد. در سند راهبردی دانشگاه، بر مفهوم مرجعیت بسیار تأکید داریم و مرجعیت را ملازم با تصدیگری نمی‌دانیم. تمشیت امور یعنی اینکه دانشگاه فرهنگیان امر مشارکت ملی در حوزه تربیت معلم را مدیریت کند و با استفاده از کل ظرفیت‌های ملی و حتی بین‌المللی - به‌نظر من این اتفاق هم باید بیفتد - این کار عظیم را پیش ببرد. بحث تربیت معلم یک بخش تربیت علمی دارد و یک بخش تربیت حرفه‌ای. در دانشگاه فرهنگیان باید تربیت حرفه‌ای اتفاق بیفتد. دانشگاه فرهنگیان تربیت حرفه‌ای را باید مدنظر قرار بدهد. دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی است حاکمیتی که به امر تمشیت امر تربیت معلم در کشور می‌پردازد؛ بر مبنای راهبرد مشارکت ملی و با استفاده از کل ظرفیت‌های ملی و حتی بین‌المللی. تربیت حرفه‌ای مزیتی است که ما در آموزش و پرورش داریم. معلم در مدرسه معلم می‌شود و انتقادی که به برنامه فعلی داریم محدود بودن و بسیار ناچیز بودن بخش کارورزی در تربیت معلم است. کارورزی روح برنامه تربیت معلم است و در برنامه جدید تعداد واحدها از ۴ به ۱۰ واحد افزایش یافته است و حتی معتقد نیستیم که این ۱۰ واحد مقصود ما را تأمین کند. معتقدیم در سراسر برنامه، روح برنامه باید پیونددهنده دانش با درک عملی در کلاس درس باشد. مدرسه مزیت ماست و دانشگاه‌ها



* پی‌نوشت

۱. اسدی گرمارودی، اسدالله. «پذیرش دانشجو در دانشگاه فرهنگیان با کدام الگو، مدل و رویکرد؟». وبگاه شخصی اسدالله اسدی گرمارودی: <http://asadigarmarodi.ir>
۲. مهرمحمدی، محمود. «برنامه‌دستی تربیت معلم و الگوی اجرایی مشارکتی آن؛ راهبرد تحولی برای تربیت معلم در ایران». دوفصل‌نامه نظریه و عمل در برنامه‌دستی. شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲. ص ۲۶-۵.
۳. صافی، احمد. «تربیت و تأمین معلم در ایران (گذشته، حال و آینده)». مجله تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش). شماره‌های ۷۲ و ۷۳. زمستان ۱۳۸۱ و بهار ۱۳۸۲.
۴. «سیر تاریخی تربیت معلم در ایران (ویژه‌نامه مسائل راهبردی نظام تعلیم و تربیت؛ الگوی پذیرش دانشجو در ایران)». دانشگاه فرهنگیان. شماره ۱، ۱۳۹۳.
۵. مهرمحمدی، محمود. «نگاهی به شیوه اصلاح و نوع اصلاحات ضروری در تربیت معلم». فصل‌نامه تعلیم و تربیت. شماره ۳۱، ۱۳۷۱.